

توسعه فرهنگ کار آفرینی و تجاری سازی تحقیقات در راستای اقتصاد مقاومتی

(پیام فرهنگی شماره ۳۰)

به روشنی می دانیم که کارآفرینی و تجاری سازی تحقیقات در راستای اقتصاد مقاومتی یکی از اهداف اصلی و بالنده باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان و دانشگاه آزاد اسلامی است و برای تحقق بهینه چنین هدفی زیر ساخت هایی اساسی چون "فرهنگ" امری حیاتی است. این باور نه تنها برداشت ما در دنیای امروز است بلکه از دیر باز فرهنگ تعیین کننده پیشرفت ملل در ابعاد و زمینه های گوناگون بوده هست و خواهد بود.

فردوسی اندیشمند و بزرگ مرد ادبیات ایران می گوید:

که فرهنگ بهتر بود یا گوهر	زدانا بپرسید دادگر
که فرهنگ باشد زگوهر فزون	چنین داد پاسخ بدو رهنمون
ز گوهر سخن گفتن آسان بود	که فرهنگ آرایش جان بود
به فرهنگ باشد روان تندرست	گوهر بی هنر زار و خوار است و سست

از نگاه واژه شناسی نیز فرهنگ مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" می باشد. هنگ به معنی فرهیختن و فر هم پیشاوند است به معنی بالا و جلو. همچنین فر به معنای شکوه و هنگ به معنای سنگینی، وقار، فهم، معرفت و هوش هم بکار رفته است که می شود "شکوه عقل" (لغت نامه دهخدا). به عبارتی دیگر فرهنگ میتواند رشد فکری معنوی و زیبایی شناسانه و همچنین روش زندگی خاص مردم در یک دوره و یا کل بشریت را در بر گیرد و به نوعی توصیف آثار و تجربیات فکری عاطفی انسانها و تعاملات آنها باشد. در ادامه برای درک بهتر نقش فرهنگ ابتدا باید به مفاهیم کلیدی آن مانند هنجارها و ارزشها و..... پرداخت و سپس اهمیت آن در فعالیت های مختلف زندگی از جمله کارآفرینی را مورد بررسی قرار داد. واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی (Entreprendre) به معنی متعهد شدن نشأت گرفته است (Cochran-۱۹۶۸). کارآفرینی فرایندی است که در محیطها و مجموعه های مختلف اتفاق می افتد و طی آن، تغییرات در سیستم اقتصادی از طریق نوآوری های افرادی که به فرصت های اقتصادی واکنش نشان می دهند، رخ می دهد که این باعث ایجاد ارزش فردی و اجتماعی خواهد شد (۱۹۹۸-Echols). کارآفرینی مفهوم جدیدی نیست و ریشه آن به قرن هیجدهم باز می گردد، یعنی زمانی که ریچارد کانتیلون عوامل اقتصادی را به سه دسته تقسیم کرد: ۱- مالکان زمین ۲- عوامل اقتصادی دستمزدبگیر ۳- آن دسته از عوامل اقتصادی که با قبول خطر در بازار بورس فعالیت می کنند (Prokopenko، ۱۹۹۱). با ظهور اصول اقتصادی نئوکلاسیک، مفهوم کارآفرینی و کارآفرین دیگر مورد توجه اقتصاددانان نبود، زیرا اصول اقتصادی کلاسیک فقط به دنبال بهینه ساختن منابع موجود برای دستیابی به تعادل و توازن بودند. تمرکز بر بهینه سازی منابع موجود در بطن نیروهای خارجی به نقطه ثقل اصول اقتصادی رایج تبدیل شده بود. کارآفرینی را به عنوان نیروی برهم زننده اقتصاد به کار برد و آن را تحت عنوان (تخریب خلاق) نامگذاری کرد. (شومپتر) (ادامه دارد)